

بررسی ارتباط کیفیت زندگی با تغییرات دینداری

دانشجویان

غلامرضا جمشیدیها^۱، موسی عنبری^۲، مهدی محمدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۱۸

چکیده

این مقاله به بررسی رابطه میان ابعاد کیفیت زندگی با تغییرات دینداری دانشجویان و تحلیل عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان سه دانشگاه دولتی استان مازندران است که ۴۴۵ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی، انتخاب و مطالعه شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که گستردگی دو مفهوم کیفیت زندگی و دینداری مانع از تأیید یا رد یک فرض یا بحث قابل اجماع و واحد نمی‌شود. به همین دلیل نمی‌توان از رابطه ساده و یک‌سویه بین کیفیت زندگی و دینداری صحبت کرد، بلکه برای رسیدن به یک رابطه واقعی و دقیق باید کلیه شاخص‌ها و ابعاد حداکثری موضوعات را مبنا قرار داد. ضریب همبستگی متغیرهای کیفیت زندگی و دینداری در این مطالعه مثبت است. یعنی با افزایش و تحولات مثبت در وجوه و شاخص‌های کلی کیفیت زندگی خانواده‌های دانشجویان، بر میزان دینداری افزوده می‌شود. اما در بررسی رابطه ابعاد جزئی دو متغیر چنین رابطه‌ای دیده نمی‌شود. به‌طور خاص، رابطه کیفیت زندگی مادی در دو وضعیت خیلی عالی و خیلی ضعیف آن، با دینداری دانشجویان رابطه منفی را نشان می‌دهد.

کلیدواژگان

بعد ذهنی کیفیت زندگی، بعد سیاسی کیفیت زندگی، دینداری، کیفیت زندگی به‌منزله سرمایه اجتماعی، کیفیت مادی زندگی مادی.

۱. نویسنده مسئول، دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران gjamshidi@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه مطالعات توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران s.haghi581@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران mohammadi.amoli@gmail.com

مقدمه

بحث دربارهٔ دین مدت مدیدی است که جریان دارد، چراکه دین جزو فرهنگ جوامع انسانی در ادوار گوناگون تلقی شده، اما ریشهٔ بحث‌های اجتماعی دربارهٔ دین به زمانی باز می‌گردد که پدیدهٔ جدیدی به نام «انقلاب صنعتی» به وقوع پیوست و موضوع رابطهٔ بین مدرنیته و دین عمومی شد. این پدیده که خاستگاه اصلی آن غرب بود، آن‌چنان به سرعت جلو رفت که در اندک زمانی، جوامع را به دو دستهٔ عمدهٔ سنتی و صنعتی تبدیل کرد و زمینه‌ساز مباحث جدید و متناسب با وضع موجود شد. پیامدهای مدرنیته، چندبعدی و متناقض است که در درون خود، هم‌زمان افزایش تولید و افزایش مصرف، برخورداری بیشتر از امکانات زندگی و زیاده‌خواهی، کاهش فقر مطلق و تشدید فقر نسبی، افزایش اعتماد انتزاعی و کاهش اعتماد در روابط شخصی، تشدید وابستگی اجتماعی و کاهش همبستگی اجتماعی، افزایش ارتباطات اجتماعی و رشد فردگرایی را به همراه دارد. بر همین اساس، اثر آن، بر کیفیت زندگی به صورت چندگانه و متناقض قابل بررسی است. همچنین تأثیر ابعاد مختلف کیفیت زندگی بر ابعاد دین چندگانه قابل ارزیابی است. برای نمونه، پیوندهای اجتماعی به منزلهٔ یکی از اجزای سرمایهٔ اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی است و در آموزه‌های دینی نیز به آن سفارش و تأکید شده است. بدین سبب، بعضی چنین مطرح کردند که مدرن شدن جوامع، غیردینی شدن را نیز به همراه دارد. زیرا برخی از ویژگی‌های محرز آن نظیر مادیت، فردیت، عقلانیت، تکثر و نسبیت، اثر تعیین‌کننده‌ای بر دین‌گرایی دارند (ویلیم، ۱۳۷۷: ۱۴۷-۱۵۰). برگر از «خصوصی شدن دین» (برگر، ۱۳۸۱: ۸۷) و «تکثرگرایی آن» در جامعهٔ مدرن سخن می‌گوید (برگر، ۲۰۰۱: ۱۹۴). دابلر نیز ضمن توجه به مفاهیم «خصوصی شدن دین» و «تکثرگرایی» (دابلر، ۱۹۹۹: ۲۳۰-۲۳۱) به مفهوم «فردگرایی منفعت‌طلبانهٔ دینی» در جامعهٔ جدید اشاره دارد (دابلر، ۱۹۹۹: ۲۴۶). لامبرت در جامعهٔ غرب، به نوعی دینداری در سطح فردی اشاره می‌کند که ثبات در اعتقاد به معجزه، به آخرت، تجربهٔ شخصی مذهبی و نوعی اعتقاد دینی بدون تعلق به گروه‌های سازمان‌یافته یا سازمان کلیسا در آن مشاهده می‌شود (لامرت، ۱۹۹۹: ۳۰۸). بنابراین، برخی از صاحب‌نظران معتقدند کاهش مشارکت اجتماعی به کاهش مشارکت دینی و زوال ارزش‌های دینی می‌انجامد (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۴۴). و یا افزایش فردگرایی به منزلهٔ یکی از پیامدهای مدرنیته، کاهشی در میزان دینداری رخ می‌دهد. از سوی دیگر میزان و نحوهٔ نگرش به برخورداری افراد از امکانات زندگی به عنوان شاخصی برای کیفیت زندگی است که چگونگی تأثیر آن بر دینداری با مناقشاتی همراه است. به زعم اینگلهارت، بیشتر آیین‌های مذهبی شخص را به محدود کردن آرزوهایش تشویق می‌کند که برای به حداکثر رساندن سعادت ذهنی رهیافت درستی است (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۵۹). در

ایران، هر ساله به دلایل مختلف از جمله افزایش بهای نفت و افزایش صادرات، بر درآمد ملی افزوده می‌شود، اما به تناسب افزایش درآمد و ثروت ملی، میزان شکاف درآمدی، کاهش مطلوب نداشته و به شکل محسوسی بر میزان فقر نسبی افزوده شده است. اگر به آمارهای مربوط به سطح فقر نگاه کنیم، مشاهده می‌شود که در طول سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۷۵ میزان فقر در کشور از ۴۸ درصد در سال ۱۳۵۱، به ۱۷ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. علاوه بر این کاهش، مقایسه میزان جمعیت فقیر در دوره بررسی شده نشان می‌دهد که جمعیت فقیر کشور از ۱۴۵۶۳۵۸۰ نفر در سال ۱۳۵۱ با نرخ رشد متوسط سالانه معادل ۱/۴ درصد به ۱۰۳۲۱۶۷۰ نفر در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۵، ایران از نظر فقر بین ۱۰۳ کشور در حال توسعه، رتبه ۳۶ را به خود اختصاص داده است. در این سال، دودرصد مردم ایران با کمتر از یک دلار در روز ۷/۳ درصد نیز با کمتر از دو دلار در روز زندگی می‌کنند (عنبری، ۱۳۸۹: ۱۶۴-۱۶۵). طی سال‌های مختلف، میزان رضایت از وضعیت فردی زندگی، روند روبه‌رشدی دارد و در مجموع، میزان رضایت افراد از این حوزه بالاست. اما در خصوص ارزیابی فرایندهای اجتماعی شامل رفتارها و مسائل اخلاقی جامعه، عدالت، اشتغال، تورم و... رضایت عمومی سیر نزولی نشان داده می‌شود (عنبری، ۱۳۸۹: ۱۷۲).

حال سؤال این است که این تغییرات با تغییرات در دینداری همراه بوده است؟ در اینجا چگونگی رابطه میان ابعاد گوناگون کیفیت زندگی با دینداری پرسشی است که تلاش می‌شود در پژوهش حاضر به آن پاسخ داده شود.

چارچوب نظری و تجربی

دینی‌بودن^۱، عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای اطلاق می‌شود که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی فرد را می‌توان در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او جست‌وجو کرد (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۶: ۳۹). فرد دیندار خود را مقید به رعایت دستورات و توصیه‌های دینی می‌داند. همین تقید و اهتمام او به آموزه‌ها و دستورات دینی، او را از انسان‌های دیگر متمایز می‌سازد. بر این اساس، به دو طریق می‌توان فرد دیندار را از دیگران باز شناخت: نخست، پایبندی و التزام دینی‌اش و دوم، پیامد دینداری و آثار آن در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او. دینداری به بیان کلی، یعنی داشتن اهتمام دینی^۲ به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (فارب، ۱۹۷۷). از آنجا که

-
1. Religiousness
 2. Religious involvement

نوع و جهت این تأثیر را ادیان تعیین می‌کنند، کشف و شناسایی آن مستلزم مطالعات درون‌دینی است. عمق و شدت تأثیرگذاری و روند تغییرات آن، مشخصاتی است که از طریق واری‌های بیرونی روان‌شناسان و جامعه‌شناسان به دست می‌آید (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۲۶ و ۳۵). همچنین دینداری متغیری چندبعدی است که ابعاد آن با وجود جدایی معرفت‌شناختی در سطح هستی‌شناختی به یکدیگر ارتباط دارد. ابعاد دین به گونه‌های متفاوتی بیان شده است؛ کنت به ابعاد سه‌گانه دین، یعنی عقاید، عواطف و عمل، برحسب ابعاد سه‌گانه وجودی انسان اشاره کرده است (آرون، ۱۳۷۰: ۱۱۶). دورکیم با عمده‌سازی بعد مناسکی در ادیان ابتدایی و تکمیل آن با بعد عقیدتی در ادیان متأخر، تنها به دو بعد تصریح کرده است (دورکیم، ۱۳۸۲: ۴۷-۴۸). به نظر گلاک و استارک همه ادیان جهانی با توجه به آنکه در جزئیات بسیار متفاوت‌اند، حوزه‌هایی کلی دارند که دینداری در آن حوزه‌ها، جلوه‌گر می‌شود. این حوزه‌ها که می‌توان آن‌ها را به‌مثابه ابعاد اصلی دینداری در نظر گرفت، عبارت‌اند از: اعتقادی، مناسکی، تجربی، فکری و پیامدی (گلاک و استارک، ۱۹۶۵: ۱۸-۳۷). مطهری سه بعد اعتقادات، احکام و اخلاق را به کار برده است (مطهری، ۱۳۶۹: ۶۳). براساس گزارش خدایاری‌فرد (۱۳۸۴) به سه بعد اصلی که شامل: شناخت و باور دینی، گرایش‌ها، علایق و عواطف دینی و التزام و عمل به وظایف دینی اشاره می‌کند که ابعاد فرعی آن به شش بعد شناخت دینی، باورهای دینی، عواطف مثبت، عواطف منفی، اخلاق و احکام تفکیک شده‌اند (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۶: ۴۶-۴۸). شجاعی‌زند (۱۳۸۴) پنج بعد عقیده، ایمان، عبادت، اخلاق، و شریعت، را برای دینداری در نظر می‌گیرد. (شجاعی‌زند، ۱۳۸۱: ۳۶۷-۳۶۹). در بین ابعاد پیشنهادی گلاک و استارک دو بعد اعتقادی و مناسکی از سوی پژوهشگران بیشتر استفاده شده است. ابعاد تجربی و فکری یکسان و بعد پیامدی کمتر از سایر ابعاد به کار رفته است. بعد فکری یا دانش دینی هرچند که بر دقت سنجش می‌افزاید، در کشورهایمانند ایران که آموزش دینی در مدارس اجباری است، مؤلفه مناسبی نخواهد بود. کارایی هر الگو بستگی به نوع پژوهش، جمعیت پژوهش و مسئله آن دارد.

با در نظر گرفتن ابعاد چندگانه برای دین، در بین صاحب‌نظران مفهوم کیفیت زندگی نیز یک مفهوم چندبعدی در نظر گرفته شده است. لیو^۱ (۱۹۷۶) سه رویکرد را در بررسی مفهوم کیفیت زندگی ارائه می‌دهد: ۱. تعریف کیفیت زندگی براساس عناصر تشکیل‌دهنده آن مانند: شادکامی، رضایتمندی، ثروت، سبک زندگی و... ۲. تعریف کیفیت زندگی با به‌کارگیری شاخص‌های عینی و ذهنی اجتماعی نظیر: بهداشت، شاخص رفاه، شاخص آموزش و... ۳.

تعریف کیفیت زندگی براساس تعیین متغیرها یا عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی و توجه به زمینه‌ها و شرایطی که در آن، سطح کیفیت زندگی تعیین می‌شود. دیوید فیلیپس^۱ کیفیت زندگی را در ابعاد فردی و جمعی بررسی می‌کند. به نظر او لازمه کیفیت زندگی فردی در بعد عینی، تأمین نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی جهت برآوردن خواسته‌های اجتماعی شهروندان است. در بعد ذهنی به داشتن استقلال عمل در افزایش رفاه ذهنی شامل لذت‌جویی، رضایتمندی، هدفداری در زندگی و رشد شخصی، رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی اجتماعی و مشارکت گسترده در فعالیت‌های اجتماعی اشاره می‌کند و در بعد جمعی آن بر ثبات و پایداری محیط فیزیکی و اجتماعی، منابع اجتماعی درون گروه‌ها و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، چون انسجام مدنی، یکپارچگی، روابط شبکه‌ای گسترده و پیوندهای موقت در تمامی سطوح جامعه، هنجارها، اعتماد، نوع دوستی و رفتار دگرخواهانه، انصاف، عدالت اجتماعی و برابری طلبی تأکید دارد (فیلیپس، ۲۰۰۶: ۲۴۲). از نظر دیوان^۲ کیفیت زندگی به عنوان حالتی در نظر گرفته می‌شود که فرد در آن نسبت به خودش، طبیعت و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، احساس درونی دارد (دیوان، ۲۰۰۰: ۳۱۵). او داشتن هدف در زندگی و برخورداری از روابط مناسب با دیگران را به عنوان دو عامل در ایجاد این حالت مؤثر می‌داند. موری^۳ نیز چهار مجموعه شرایط را برای بهبود کیفیت زندگی مؤثر می‌داند که شامل: منابع مادی پایه‌ای، امنیت، اعتماد به نفس و استقلال و توانمندی لازم برای خشنودی انسانی را در بر می‌گیرد. موری یکی از شرایط مؤثر در بهبود کیفیت زندگی را وجود قدرت سیاسی کارآمد برای اجرا و تقویت استانداردهای جمعی می‌داند (موری، ۱۹۹۸: ۵۳). رویکرد توسعه انسانی نیز به منزله یکی از نظریه‌های تبیین‌کننده کیفیت زندگی، عواملی چون آزادی، تأمین حقوق انسانی و عزت نفس را از لوازم توسعه انسانی برمی‌شمارد (برنامه توسعه سازمان ملل، ۱۹۹۰: ۱۰). در سال‌های اخیر، نظریه امنیت انسانی نیز به عنوان مکملی برای رویکرد توسعه انسانی وارد مباحث کیفیت زندگی شده است (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۲۵). در همین راستا باجپای (۱۳۸۴) امنیت سیاسی در معنای عدم سرکوب دولتی، و فقدان نقض سازمان‌یافته حقوق بشر را از شرایط امنیت انسانی برمی‌شمرد. آمارتیا سن^۴ اصطلاح قابلیت را اولین بار در سال ۱۹۷۹ در بحث درباره رویکردی جهت تبیین بهزیستی و رفاه در چارچوب آزادی‌ها، به‌ویژه آزادی انتخاب به کار گرفت (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۳۰). از نظر او، انواع آزادی در

1. David Phillips

2. Divan

3. Murray

4. Amartya Sen

بعد ابزاری عبارت‌اند از «آزادی‌های سیاسی، تسهیلات اقتصادی، فرصت‌های اجتماعی، تضمین شفافیت و تأمین حمایتی» (سن، ۱۳۸۲: ۵۴). مارشال^۱ در نظریه خود تحت عنوان شهروندی اجتماعی که متکی بر حقوق اجتماعی، سیاسی و مدنی است، برابری اجتماعی (برابری حقوق شهروندان) را مهم‌تر از برابری درآمد می‌داند (نش، ۱۳۸۰: ۱۹۲). در قالب رویکرد ساختاری به مفهوم کیفیت زندگی، برنارد، برگر-اشمیت و نول معتقدند کیفیت زندگی در معنای واقعی آن نمی‌تواند مستقل از مناسبات، روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی متقابل در زمینه عدالت توزیعی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تضمین می‌کند، مفهوم‌سازی شود (برنارد، ۱۹۹۹؛ برگر-اشمیت، ۲۰۰۲ و نول، ۲۰۰۲). برگر-اشمیت و نول در قالب نظریه کیفیت فراگیر زندگی^۲ به عوامل کیفیت اجتماعی همچون برابری، انصاف، آزادی، امنیت و انسجام بیش از عوامل فردی توجه دارند. همچنین مفهوم کیفیت زندگی به دو دسته عاملیت‌گرا و ساختارگرا نیز تفکیک شده است. در این رویکردها عاملیت فرد در مرکزیت بحث پیرامون کیفیت زندگی قرار دارد یعنی بیشتر ناظر بر ذهنیت، قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد است تا شرایط ساختاری اجتماعی یا محیط پیرامونی و کیفیت زندگی در معنای ساختاری آن به مناسبات، روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی متقابل در زمینه عدالت توزیعی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تضمین می‌کند، مفهوم‌سازی می‌شود (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷: ۱۳-۱۴).

بنابراین، به نظر می‌رسد که ابعاد چندگانه کیفیت زندگی تأثیری متفاوت در وضعیت دینداری افراد داشته باشند. در پژوهش حاضر، این ابعاد عبارت‌اند از: ۱. بعد ذهنی کیفیت زندگی ۲. کیفیت زندگی به منزله سرمایه اجتماعی ۳. کیفیت مادی زندگی ۴. بعد سیاسی کیفیت زندگی. بر این اساس، کیفیت زندگی از چهار حیث با دینداری ارتباط دارد:

در برخی نوشته‌ها، کیفیت زندگی به منزله یک مفهوم ذهنی، مبتنی بر ارزش‌ها و تمایلات فردی، و در ارتباط با میزان رضایت‌مندی از زندگی در نظر گرفته شده است. رضایت از زندگی خود می‌تواند رضایت ناشی از داشتن، رضایت ناشی از ارتباط، رضایت ناشی از بودن و رضایت ناشی از اقدام و عمل را شامل شود. اینگلهارت معتقد است دینداری با سعادت ذهنی ارتباط دارد. به نظر او، کسانی که مرتب به کلیسا می‌روند یا ایمان مذهبی دارند خوشبخت‌تر از آن‌هایی هستند که به کلیسا نمی‌روند و ایمان مذهبی هم ندارند. این به آن علت است که بیشتر آیین‌های مذهبی شخص را به محدود کردن آرزوهایش تشویق می‌کنند که برای به حداکثر رساندن سعادت ذهنی رهیافت درستی است (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۵۹). یونگ

1. Marshall

2. Overarching Quality of life

و سوروکین دین معتقدند آثار مثبت بر سلامت روان و زندگی اجتماعی دارد (تورسن و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷۱). الیسون معتقد است، دینداری بر رضایت از زندگی به علت توانایی دین برای حمایت از افراد تأثیر مثبت دارد و این حمایت می‌تواند احساسی، اعتقادی یا شناختی و مادی باشد (الیسون: ۱۹۹۸). برخی نیز، دینداری را به جهت معنا بخشیدن به هدف زندگی و کیفیت زندگی در رضایتمندی مؤثر تلقی می‌کنند (تورسن و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۲۵). بنابراین، براساس بحث‌های انجام‌شده با افزایش بعد ذهنی کیفیت زندگی، انتظار می‌رود افزایشی در دینداری اتفاق افتد و با کاهش بعد ذهنی کیفیت زندگی نیز کاهش در میزان دینداری قابل پیش‌بینی است.

همچنین، سرمایه اجتماعی به منزله یکی از مؤلفه‌های کیفیت زندگی می‌تواند منبع دینداری باشد. به این معنی که شبکه ارتباطی فرد یا به عبارتی کمیت و کیفیت ارتباط اجتماعی به دینداری او جهت می‌دهد و نوع نگاه او را نسبت به دین تعیین می‌کند. بی‌شک کم و کیف روابط اجتماعی و آرایش آن‌ها خود می‌تواند در رفتار موجودیت‌های اجتماعی تأثیر داشته باشد (چلبی، ۱۳۷۹: ۱۰۰). البته همان‌گونه که سرمایه‌های اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی در تعیین میزان و شیوه دینداری تأثیرگذارند، دینداری هم به منزله منبعی برای سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود. دین به روابط اجتماعی شکل می‌دهد و روابط افراد را تنظیم می‌کند و میزان اعتماد اجتماعی، مشارکت و بردباری اجتماعی را افزایش می‌دهد. فینی^۱ نیز به وضوح به نقش گروه‌ها و شبکه‌های ارتباطی درون این گروه‌ها و تأثیر آن بر تمامی ابعاد تعهد دینی اشاره کرده است. او عضویت در گروه دینی را در ایجاد تعهد دینی در ابعاد پنج‌گانه دین مهم ارزیابی می‌کند و بر اهمیت محیط کلیسا به مثابه محل تجمع افراد و محل اجرای مناسک دینی و نقش آن در تکوین تجارب دینی شخصی، در اختیار نهادن الگوهای اعتقادات درست دینی و نحوه اجرای اعمال دینی به صورت فردی تأکید دارد (فینی، ۱۳۸۰: ۲۵۳). در این دیدگاه عضویت در گروه از هر نوع مورد نظر است. یعنی از سطح خرد آن مثل خانواده و دوستان گرفته تا سطح میانی و کلان آن شامل همکاران، همسایگان، اجتماع، حزب، طبقه اجتماعی جامعه و غیره. نظریه سرمایه اجتماعی نیز ادعا می‌کند که کلیساروی منظم، احساس تعلق به تشکیلات دینی و پیوستن به طیف وسیع‌تری از گروه‌های اجتماعی^۲ را در جامعه مدنی افزایش می‌دهد (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۵-۴۴). بنابراین، شاهد رابطه‌ای مثبت میان مشارکت

1. Finney, John M

2. Community group

دینی با مشارکت اجتماعی هستیم که افزایش یکی موجب افزایش دیگری است. به عبارت دیگر، براساس بحث‌های انجام‌شده انتظار می‌رود تا با افزایش سرمایه اجتماعی، افزایشی را در میزان دینداری پیش‌بینی کنیم و با کاهش سرمایه اجتماعی نیز در انتظار کاهش در میزان دینداری باشیم.

و بالأخره مطالعات نظری بیانگر آن است که کیفیت مادی زندگی نیز با دینداری و نوع دینداری ارتباط دارد. به نظر رونالد اینگلهارت، میان برخورداری فرد از امکانات مختلف زندگی، نظیر مسکن، امکانات رفاهی، تفریحی، امنیتی و بهداشتی با میزان و نوع دینداری رابطه معناداری وجود دارد (اینگلهارت: ۱۳۸۲ و ۱۳۸۷). او زوال ظاهری هنجارهای مذهب سستی را به تحول از ارزش‌های مادی به فرامادی پیوند می‌دهد، که آن، نتیجه ارضای نیازهای طبیعی (کیفیت زندگی مادی) نسبت وسیع‌تر از جمعیت می‌داند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۵). به نظر او، تحول به سوی فرامادیگری و افول شکل‌های سستی مذهب دو چیز همراهند. زیرا آن‌ها یک علت مشترک دارند: سطوح بی‌سابقه امنیت فردی در جامعه پیشرفته صنعتی (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۳۴). او نشانه‌های توجه فراوان به طبیعت و علاقه وافر به معنا و هدف زندگی را توأم با حمایت اندک از هنجارهای مذهب سستی در میان فرامادیون می‌یابد (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۱۲). به نظر او، برخلاف این واقعیت که فرامادیون در جوامع غربی به مذهب سازمان‌یافته، نسبتاً بی‌علاقه‌اند. از آنجا که کمتر از مادیون درگیر تنازع بقا هستند. از لحاظ نظری باید انرژی فکری و احساس بیشتری برای نیازهای عالی‌مرتبه‌تر داشته باشند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۱۸). بنابراین، طبق نظر اینگلهارت با افزایش برخورداری افراد از امکانات مختلف زندگی باید کاهش در میزان دینداری اتفاق افتد. بر همین اساس، مفروض انگاشته شده است که «کیفیت زندگی و میزان دینداری را به‌طور مستقیم تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. قاعدتاً با افزایش سطح رفاه، نگاه‌های روشنگرانه و مادی‌تری به زندگی ایجاد می‌شود و در پرتو آن تقید مذهبی افراد کاهش می‌یابد».

روش‌شناسی

در این پژوهش از روش پیمایش برای به‌دست‌آوردن اطلاعات و دیدگاه‌ها استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است روش تحلیل داده‌ها تحلیل کمی است که به دو صورت تحلیل توصیفی و تبیینی انجام شده است. در تحلیل توصیفی از تکنیک‌هایی مانند جدول‌های توزیع فراوانی و در تحلیل تبیینی نیز از تحلیل همبستگی پیرسون استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری سه دانشگاه دولتی استان مازندران که عبارت‌اند از: ۱. دانشگاه مازندران، ۲. دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل و ۳. دانشگاه علوم پزشکی ساری در ترم مهر سال ۱۳۹۱ است. برای

انتخاب دانشجویان از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی استفاده شد. بدین ترتیب که تعداد دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها انتخاب و سپس لیست دانشجویان هر دانشگاه و دانشکده با توجه به مقاطع تحصیلی و جنسیت، درصد آنان تهیه شد و افراد با روش نمونه‌گیری تصادفی از روی لیست انتخاب شدند. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه‌ای برابر ۴۴۵ نفر محاسبه شد که با توجه به متغیرهای پژوهش و نسبت‌های متناسب با تعداد دانشجویان هر دانشگاه و دانشکده‌های آن و سهمی که از حجم نمونه به آن‌ها تعلق می‌گرفت، نمونه‌گیری به عمل آمد. اعتبار پرسشنامه این پژوهش به سه شیوه؛ رجوع به استادان و متخصصان صاحب‌نظر در حوزه پژوهش، رجوع به نظریه‌ها و تعاریف معتبر و همچنین پژوهش‌های پیشین ارزیابی شده است. برای به‌دست‌آوردن پایایی^۱، از آزمون آلفای کرونباخ بهره گرفته شده است. این شیوه سنجش پایایی مبتنی بر محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، براساس میزان همبستگی تک‌تک آیتم‌های تشکیل‌دهنده مقیاس با کل مجموعه است. در این پژوهش ضرایب بالای ۷۰ درصد به‌عنوان حداقل ارزش، پذیرفته شد. در این زمینه ضریب آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده به‌صورت زیر است:

جدول ۱. مقدار ضریب آلفای کرونباخ

متغیرها	مقدار ضریب آلفای کرونباخ
کیفیت زندگی	۰/۹۱
بعد ذهنی کیفیت زندگی	۰/۸۹
کیفیت زندگی به‌عنوان سرمایه اجتماعی	۰/۷۳
کیفیت مادی زندگی	۰/۸۰
بعد سیاسی کیفیت زندگی	۰/۹۴
میزان دینداری	۰/۹۰
دینداری در بعد اعتقادی	۰/۹۵
دینداری در بعد مناسکی یا عمل دینی	۰/۸۱
دینداری در بعد عاطفی	۰/۸۸
دینداری در بعد پیامدی	۰/۸۲

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

کیفیت زندگی در این پژوهش به‌وسیله بیست‌ونه گویه و در دو بعد عینی و ذهنی و همچنین،

1. Reliability

ابعاد چهارگانه بعد ذهنی کیفیت زندگی، کیفیت زندگی به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی، کیفیت مادی زندگی و بعد سیاسی کیفیت زندگی سنجیده شده است.

بعد ذهنی کیفیت زندگی از این رو مهم است که انسان موجودی است که همچنین براساس تصویر ذهنی خود از واقعیت - نه خود واقعیت - نیز زندگی می‌کند و رفتارش متأثر از برداشت‌های ذهنی و درکی است که از واقعیت دارد و در مواردی این برداشت‌ها و ادراکات، الزاماً با واقعیت انطباق ندارند. افزون بر آن، تصویر ذهنی و برداشت هر فرد درباره واقعیتی معین با دیگری تفاوت دارد. بر این اساس می‌توان گفت که برداشت ما از شرایط عینی و واقعیت‌های زندگی است که احساسمان را درباره زندگی و کیفیت زندگی شکل می‌دهد (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۱۲۴). از مهم‌ترین متغیرهای ذهنی کیفیت زندگی عبارت‌اند از: نگاه فرد به زندگی (نگاه فرد به مرگ عزیز، رنج، بیماری، درد، کمبودها، فقر و محدودیت‌ها)، تعریف فرد از زندگی و معنای آن، نگاهش به طبیعت و هستی، احساس فرد به حقوقش (تا چه اندازه آن حقوق در جامعه تأمین می‌شود، ارزیابی فرد از اینکه تلاش‌های خانواده و جامعه تا چه حد به بهبود زندگی او و تأمین نیازهایش کمک کرده است، تخیل و تجسم (میل به شناخت و درک و فهم جهان، ساختن واقعیت به هر شکل آن در ذهن و خیال و تلاش برای تحقق آن در قالب هنر، علم و تکنولوژی)، میل شدید به رشد و توسعه و یادگیری مستمر، نیاز به شکوفایی و تعالی و توسعه مستمر.

بعد مادی کیفیت زندگی شامل متغیرهایی است که رابطه فرد را با امکانات لازم برای برخورداری از یک زندگی سالم و راحت در نظر می‌گیرد. مهم‌ترین این شرایط عبارت‌اند از: رفاه مادی (داشتن شغل و درآمد مناسب)، تغذیه مناسب، مسکن مناسب و راحت، زندگی در محیطی سالم (هوای سالم، آب سالم، زیبایی، دسترسی به فضای سبز، وجود امنیت فیزیکی به لحاظ نبود جرم و جنایت و خشونت و...)، دسترسی به خدمات با کیفیت آموزشی و بهداشتی و خدمات عمومی حمل‌ونقل و خدمات فرهنگی و امکانات تفریحی و ورزشی.

درباره بعد سرمایه‌ای و نمادین کیفیت زندگی، ارائه تعریفی واحد از آن با دشواری همراه است. در این مطالعه تعریف عملیاتی ما براساس تعریف موسوی و همکاران (۱۳۸۶) از مفهوم سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، سرمایه اجتماعی شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعاملات افراد با نهادها، سازمان‌ها، و گروه‌های اجتماعی است.

بعد سیاسی کیفیت زندگی شامل: وجود قدرت سیاسی کارآمد برای اجرا و تقویت استانداردهای جمعی، میزان تعهد و تعلق به نظام سیاسی و کارگزاران آن، آزادی، تأمین حقوق انسانی، امنیت سیاسی در معنای عدم سرکوب دولتی، فقدان نقض سازمان‌یافته حقوق بشر

به‌منزله یکی از شرایط امنیت انسانی، آزادی انتخاب، آزادی‌های سیاسی، تضمین شفافیت و تأمین حمایتی، برابری، انصاف و امنیت.

در سنجش میزان دینداری از مدل گلاک و استارک استفاده شده است. در این مدل پنج بعد اعتقادی^۱، بعد مناسکی^۲ یا عمل دینی، بعد تجربی^۳ یا عواطف دینی، بعد فکری یا دانش دینی^۴، بعد پیامدی^۵ یا آثار دینی، برای دینداری در نظر گرفته شده است (گلاک و استارک، ۱۹۶۵: ۱۸-۳۷). با آنکه این مدل پنج بعد دارد، در مواردی در سنجش‌های استفاده‌شده در ایران با این استدلال که آموزش رسمی اجباری دین در نظام آموزشی کشور سبب می‌شود دانش دینی، معرف مناسبی برای التزام دینی نباشد (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۸). این بعد در تعریف عملیاتی دینداری استفاده نشد.

الف) بعد اعتقادی: در بعد اعتقادی بیشتر اصول اعتقادی دین اسلام مد نظر بوده است. این اصول معادل «باورهای پایه‌ای مسلم»^۶ است که گلاک و استارک مشخص کرده‌اند. به این ترتیب، این بعد با توجه به اصول اعتقادی زیر عملیاتی شده است: اعتقاد به وجود خدا، اعتقاد به پیامبری حضرت محمد (ص)، اعتقاد به اینکه قرآن کتاب الهی و کلام خداست و هر آنچه می‌گوید حقیقت محض است، اعتقاد به زندگی پس از مرگ و رسیدگی به اعمال انسان‌ها در قیامت، اعتقاد به وجود بهشت و جهنم.

ب) بعد مناسکی یا عمل دینی: بعد مناسکی یا عمل دینی با استفاده از برخی اعمال دینی فردی و جمعی از قبیل نماز، روزه، دعا و نیایش، قرآن‌خواندن و شرکت در اعیاد و عزاداری‌های مذهبی عملیاتی شده است.

ج) بعد احساسی یا عواطف دینی: بعد احساسی شامل عواطف و احساساتی مثل احساس نزدیکی به خدا، احساس کوچکی در برابر خدا، احساس معنویت در اماکن مذهبی، و احساس ندامت پس از ارتکاب گناه است.

د) بعد پیامدی: بعد پیامدی از طریق قائل شدن نقش حداکثری یا حداقلی برای دین، معیار قراردادن رعایت احکام در دینداری، و لزوم مذهبی بودن رهبران سیاسی سنجیده شده است. در این قسمت از طریق استدلال استقرایی (تجربی) صدق یا کذب تبیین تئوریک داوری

1. Ideological/religious belief
2. Ritualistic/religious practice
3. Experimental/ religious feeling
4. Intellectual/religious knowledge
5. Consequential/religious effect
6. Warranting

شده است. اگر گزاره مشاهده‌ای استدلال نظری را تأیید کند آن وقت می‌توان به‌طور موقت برتبیین تئوریک این نوشتار اعتماد کرد. در این پژوهش تحلیل تجربی را در دو سطح انجام داده‌ایم: ۱. تحلیل توصیفی ۲. تحلیل تبیینی.

یافته‌های توصیفی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میانگین کل نمره‌های کیفیت زندگی در همه ابعاد آن ۱۰۱ بوده، حداقل نمره ۵۱ و حداکثر آن هم ۱۴۹ است. این بیانگر آن است که میزان کیفیت زندگی دانشجویان از میانگین اندکی بیشتر است. میزان رضایت از وضعیت فردی زندگی بالاست. اما درخصوص ارزیابی فرایندهای اجتماعی نظیر؛ عدالت، قضایای اقتصادی، اشتغال، تورم و... به‌خصوص بعد سیاسی کیفیت زندگی، رضایت عمومی سیر نزولی دارد. نکته قابل توجه این است که بخشی از بدبینی‌های موجود به‌ویژه نگرش‌های معطوف به امور کلان جوامع را باید در ارتباط با مطالبات گسترده و روزافزونی دید که از تعامل جامعه ایران با جوامع جهانی و غربی و نگرش به دستاوردهای مادی آن‌ها برای مردم حاصل شده است.

میانگین کل نمره‌های افراد در بعد اعتقادی دینداری برابر ۱۸/۸۲، حداقل نمره ۴ و حداکثر آن هم ۲۰ است. این بیانگر آن است که میزان دینداری دانشجویان در بعد اعتقادی از میانگین بالاتر است.

میانگین کل نمره‌های افراد در بعد مناسکی یا عمل دینی ۳۲/۲، حداقل نمره ۹ و حداکثر آن هم ۹۲ است. این نیز نشان می‌دهد که میزان دینداری دانشجویان در بعد مناسکی یا عمل دینی از میانگین کمتر است.

میانگین کل نمره‌های افراد در بعد احساسی یا عواطف دینی برابر ۲۷/۵۵، حداقل نمره ۱۴ و حداکثر آن هم ۳۸ است. این نتیجه نشان می‌دهد که میزان دینداری دانشجویان در بعد عاطفی از میانگین بالاتر است.

و بالأخره، توزیع پراکندگی نمره‌های دینداری دانشجویان در بعد پیامدی نشان می‌دهد که میانگین کل نمره‌های افراد در بعد پیامدی برابر ۲۶/۴۷، حداقل نمره ۷ و حداکثر آن هم ۳۵ است. این بیانگر آن است که میزان دینداری دانشجویان در بعد پیامدی از میانگین بالاتر است.

بنابراین، نتایج نشان می‌دهد که در ابعاد اعتقادی، عبادی فردی و احساسی، اکثریت پاسخگویان، دینداری بالا دارند. اما در ابعاد عبادی جمعی، مناسکی و پیامدی، نمره‌های آنان پایین‌تر است. برای مثال، ۷۵ درصد پاسخگویان اعمال عبادی مستحبی (راز و نیاز با خدا) را «همیشه» یا «اکثر اوقات» انجام می‌دهند، درحالی‌که خواندن دعا (توسل، کمیل، ندبه و...) را

تنها ۳۴ درصد انجام می‌دهند. در بعد عبادی فردی ۸۴ درصد پاسخگویان اعمال واجب دینی (نماز، روزه) را «همیشه» یا «اکثر اوقات» انجام می‌دهند و در بعد عبادی اجتماعی آن (شرکت در نماز جماعت)، تنها ۲۷ درصد «همیشه» و «اغلب اوقات» را در نماز جماعت شرکت می‌کنند. در بعد اعتقادی بیش از ۹۲ درصد پاسخگویان «کاملاً موافق» یا «موافق» را بیان کردند. پیامد دینی در ارتباط با نقش و جایگاه دین در جامعه و نیز حضور آن در سایر حوزه‌ها سنجیده شده است، می‌توان گفت از نظر تمایل به رعایت اعمال و معیارهای دینی در زندگی روزمره و حوزه سیاست، دینداری دانشجویان نمونه، بالاتر از بعد عبادی جمعی و کمتر از سایر ابعاد بوده است. در عین حال، شاخص دینداری کل که از ترکیب این چهار بعد ساخته شده، از میانگین بالاتر است.

یافته‌های تبیینی

جدول چندوجهی زیر نتیجه آزمون ارتباط متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۲. آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد کیفیت زندگی و دینداری

متغیرها	میزان دینداری	مقدار p
کیفیت زندگی	۰/۴۳۹	۰/۰۰۰
بعد ذهنی کیفیت زندگی	۰/۴۰۵	۰/۰۰۰
کیفیت زندگی به عنوان سرمایه اجتماعی	۰/۲۸۹	۰/۰۰۰
کیفیت مادی زندگی	۰/۰۶۶	۰/۰۰۰
بعد سیاسی کیفیت زندگی	۰/۶۳	۰/۰۰۰

بر اساس جدول ۲، یافته‌ها نشان می‌دهد که گستردگی دو مفهوم کیفیت زندگی و دینداری مانع از تأیید یا رد یک فرض یا بحث قابل اجماع و واحد نمی‌شود، به همین دلیل نمی‌توان از رابطه ساده و یک‌سویه بین کیفیت زندگی و دینداری صحبت کرد، بلکه برای رسیدن به یک رابطه واقعی و دقیق باید کلیه شاخص‌ها و ابعاد حداکثری موضوعات را مبنا قرار داد. ضریب همبستگی متغیرهای کیفیت زندگی و دینداری در این مطالعه مثبت است. یعنی با افزایش و تحولات مثبت در وجوه و شاخص‌های کلی کیفیت زندگی خانواده‌های دانشجویان، بر میزان دینداری افزوده می‌شود. اما در بررسی رابطه ابعاد جزئی دو متغیر (با استفاده از سنجش تک‌تک سؤالات کیفیت مادی زندگی با میزان دینداری دانشجویان که از طریق آزمون تفاوت میانگین‌ها انجام شد) چنین رابطه‌ای دیده نمی‌شود. به‌طور خاص رابطه کیفیت مادی و فیزیکی زندگی در دو وضعیت خیلی‌عالی و خیلی‌ضعیف آن، با کنش‌های دینی رابطه منفی را نشان

می‌دهد. یعنی تأثیر آن بر دینداری فرسایشی است. درحالی‌که نتایج کلی همبستگی میان دو متغیر رابطه مثبت را نشان می‌دهد. به این معنا که افزایش کیفیت مادی زندگی موجب افزایش دینداری است و همچنین کاهش کیفیت مادی زندگی، سبب کاهش میزان دینداری است. با توجه به سطح معناداری محاسبه شده (۰/۰۰۰) که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. ضریب همبستگی متغیر کیفیت زندگی و میزان دینداری برابر با ۰/۴۳۹ است. این نتیجه نشان می‌دهد بین کیفیت زندگی و دینداری دانشجویان رابطه مثبت وجود دارد. ضریب همبستگی متغیر بعد ذهنی کیفیت زندگی دانشجویان و میزان دینداری برابر با ۰/۴۰۵ است. بنابراین، با افزایش بعد ذهنی کیفیت زندگی دانشجویان، نگرش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌های دینی آنان نیز افزایش می‌یابد. با توجه به آموزه‌های دینی که افراد را به محدودکردن آرزوهایش تشویق می‌کنند و این تعلیم برای به حداکثر رساندن سعادت ذهنی رهیافت درستی است. انتظار می‌رفت که بین بعد ذهنی کیفیت زندگی دانشجویان و دینداری آنان، همبستگی در جهت مثبت باشد که یافته‌های پژوهش نیز آن را تأیید می‌کند. بدیهی است که کاهش میزان دینداری دانشجویان نیز اثر معکوس در جهت کیفیت زندگی ذهنی آنان به همراه دارد.

ضریب همبستگی متغیر کیفیت زندگی به منزله سرمایه اجتماعی و میزان دینداری برابر با ۰/۲۸۹ است. همچنین، افزایش کیفیت زندگی به منزله سرمایه اجتماعی، میزان کنش‌های دینی آن‌ها را نیز افزایش می‌دهد. در سنت دینی احکام صریح و هنجارهای اخلاقی مشخصی درباره پیوندهای اجتماعی افراد وجود دارد مثل واجب بودن صله رحم^۱، احسان و نیکی به اطرافیان و... یکی از دستورهای مؤکد دین مبین اسلام و یکی از مهم‌ترین آداب اجتماعی «صله رحم» است و قطع رحم به معنای رسیدگی نکردن و محبت نداشتن نسبت به نزدیکان است، و از نظر شرعی امر بسیار ناپسندی به شمار می‌رود. بر این اساس، انتظار می‌رفت که کیفیت زندگی در بعد سرمایه اجتماعی با میزان دینداری تأثیری مثبت داشته باشد. شاید نفوذ جامعه مدرن و رشد فرهنگ فردگرایی ناشی از آن موجب شده است رابطه میان پیوندهای اجتماعی دانشجویان با کنش‌های دینی آن‌ها از حد پیش‌بینی کمتر باشد.

ضریب همبستگی متغیر کیفیت مادی زندگی و میزان دینداری دانشجویان برابر با ۰/۰۶۶ است. بنابراین، با افزایش کیفیت مادی زندگی، از میزان دینداری کاسته نمی‌شود. هرچند کیفیت مادی و فیزیکی زندگی در دو وضعیت خیلی‌عالی و خیلی‌ضعیف آن، با کنش‌های دینی رابطه منفی را نشان می‌دهد. در آموزه‌های دین اسلام، از یک‌سو، «دنیازدگی» و «فقر فراگیر»^۲

۱. صله رحم یعنی رسیدگی و احسان به افرادی که با انسان مادر مشترک داشته باشند یعنی رابطه نسبی داشته باشند مانند عمو، عمه، دایی، خاله و فرزندان آن‌ها.

۲. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «اگر رحمت پروردگار من شامل فقرای امتم نبود، بسیاری از امت من بر

عوامل مهمی برای غیردینی شدن معرفی شده‌اند. از سوی دیگر، عمران و آبادانی دنیا یکی از دو وظیفه اصلی دین در کنار سعادت اخروی انسان‌ها به عنوان هدف دیگر دین معرفی می‌شود (مطهری، ۱۳۶۹: ۱۷۷). از این رو، رابطه مثبت میان کیفیت زندگی مادی با دینداری مطابق پیش‌بینی نظری از حیث اتکا به آموزه‌های درون‌دینی است که البته با نظریه اینگلههارت در این خصوص هماهنگ نیست.

و بالاخره، ضریب همبستگی متغیر بعد سیاسی کیفیت زندگی و میزان دینداری دانشجویان برابر با ۰/۶۳ است. این نتیجه نشان می‌دهد که با افزایش بعد سیاسی کیفیت زندگی، میزان دینداری نیز افزایش می‌یابد. در این بعد از کیفیت زندگی دانشجویان، قوی‌ترین همبستگی با دینداری - به‌ویژه در ابعاد پیامدی دینداری - مشاهده شد. به عبارت دیگر، با کاهش بعد سیاسی کیفیت زندگی، عواطف و کنش‌های دینی سیر نزولی و نیز با کاهش دینداری نیز بعد سیاسی کیفیت زندگی کاهش می‌یابد. البته این بدان سبب است که نظام سیاسی در ایران دینی است. همچنین، یافته‌ها نشان داد که میزان رضایت از وضعیت فردی زندگی بالاست اما درخصوص ارزیابی فرایندهای اجتماعی و سیاسی میزان رضایت عمومی سیر نزولی دارد که با توجه به شدت همبستگی میان کیفیت زندگی سیاسی و دینداری، این نتیجه مهم تلقی می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهشگران عموماً دینداری را متغیری چندبعدی تلقی می‌کنند که ابعاد آن با وجود جدایی معرفت‌شناختی در سطح هستی‌شناختی به یکدیگر ارتباط دارد. ابعاد دین توسط صاحب‌نظران به گونه‌های متفاوتی بیان شده است. از سوی دیگر، کیفیت زندگی نیز مفهومی پیچیده و چندبعدی در رابطه با وضعیت اجتماع، در یک مقیاس جغرافیایی معین است که در دو سطح فردی و ساختاری و متکی به شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی است. مفهوم کیفیت زندگی می‌تواند به عنوان ابزاری نیرومند جهت نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه در جامعه استفاده شود و به برنامه‌ریزان برای نظارت بر اجتماع، ارزیابی اثربخشی و کارایی سیاست‌ها و برنامه‌های فعلی و تدوین برنامه‌های جدید کمک کند، زیرا ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نظیر؛ سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی و مطروdit اجتماعی، شاخص‌های کیفی و انسانی تر توسعه نظیر خوشبختی، آزادی، رضایت از زندگی و احساس امنیت، سلامتی و بهداشت، سطح تحصیلات، قدرت خرید، طول عمر، شادکامی، رضایتمندی، ثروت، سبک زندگی و... را دربر می‌گیرد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که، ارزیابی دانشجویان در میزان رضایتشان، در بعد اجتماعی کیفیت زندگی در مقایسه با بعد فردی، و بعد عینی کیفیت زندگی نسبت به بعد ذهنی، از میزان پایین‌تری برخوردار است. بر همین اساس، نتایج نشان داد که در ابعاد اعتقادی، عبادی فردی و احساسی، اکثریت دانشجویان، دارای دینداری بالا ارزیابی می‌شوند. اما در ابعاد عبادی جمعی، مناسکی و پیامدی، نمره‌های آنان پایین‌تر است. برای مثال، ۷۵ درصد پاسخگویان اعمال عبادی مستحبی (رازونیز با خدا) را «همیشه» یا «اکثر اوقات» انجام می‌دهند در حالی که خواندن دعا (توسل، کمیل، ندبه و...) را تنها ۳۴ درصد انجام می‌دهند. در بعد عبادی فردی ۸۴ درصد پاسخگویان اعمال واجب دینی (نماز، روزه) را «همیشه» یا «اکثر اوقات» انجام می‌دهند و در بعد عبادی اجتماعی آن (شرکت در نماز جماعت)، تنها ۲۷ درصد «همیشه» و «اغلب اوقات» در نماز جماعت شرکت می‌کنند. در بعد اعتقادی بیش از ۹۲ درصد پاسخگویان «کاملاً موافق» یا «موافق» را بیان کردند. پیامد دینی در ارتباط با نقش و جایگاه دین در جامعه و نیز حضور آن در سایر حوزه‌ها سنجیده شده است. می‌توان گفت از نظر تمایل به رعایت اعمال و معیارهای دینی در زندگی روزمره و حوزه سیاست، دینداری دانشجویان نمونه، بالاتر از بعد عبادی جمعی و کمتر از سایر ابعاد بوده است. در عین حال، شاخص دینداری کل که از ترکیب این چهار بعد ساخته شده، از میانگین بالاتر است.

نتایج نشان داد که بعد سیاسی کیفیت زندگی بر روی دینداری، بیشترین تأثیر را در جهت مثبت دارد و کیفیت مادی زندگی کمترین اثر را داراست. بنابراین، میان نگرش دانشجویان نسبت به فرایندهای اجتماعی نظیر؛ عدالت اجتماعی، برابری طلبی، آزادی، تأمین حقوق انسانی، قدرت سیاسی کارآمد، امنیت سیاسی در معنای عدم سرکوب دولتی، و فقدان نقض سازمان‌یافته حقوق بشر، رفاه در چارچوب آزادی‌ها، آزادی‌های سیاسی، تسهیلات اقتصادی، فرصت‌های اجتماعی، تضمین شفافیت و تأمین حمایتی، حقوق اجتماعی، سیاسی و مدنی، برابری اجتماعی، برابری حقوق شهروندان، اعتماد و احساس تعلق به نظام سیاسی و کارگزاران آن، که همگی بیانگر بعد سیاسی کیفیت زندگی است، قوی‌ترین همبستگی با دینداری مشاهده شد. به عبارت دیگر، با کاهش بعد سیاسی کیفیت زندگی، دینداری سیر نزولی می‌یابد و نیز با کاهش دینداری نیز بعد سیاسی کیفیت زندگی کاهش می‌یابد. البته این بدان سبب است که نظام سیاسی در ایران دینی است. همچنین یافته‌ها نشان داد که میزان رضایت از وضعیت فردی زندگی بالاست، اما درخصوص ارزیابی فرایندهای اجتماعی و سیاسی میزان رضایت عمومی سیر نزولی دارد. که با توجه به شدت همبستگی میان کیفیت زندگی سیاسی و دینداری، این نتیجه مهم تلقی می‌شود.

درباره سازگاری دستگاه نظری با یافته‌های پژوهش نیز می‌توان اشاره کرد که نتایج این

پژوهش، به مقدار زیادی هماهنگ با دسته‌بندی است که در قسمت چارچوب نظری انجام شد، بدین ترتیب که با افزایش بعد سیاسی کیفیت زندگی، بعد ذهنی کیفیت زندگی و کیفیت زندگی به‌منزله سرمایه اجتماعی مطابق با پیش‌بینی نظری، افزایشی را در باورها، عواطف و اعمال دینی دانشجویان به همراه داشت. اما برخلاف ادعای نظری پژوهش، رابطه بسیط و قاطعی میان کیفیت مادی زندگی با میزان دینداری وجود نداشت. به‌گونه‌ای که نتایج نشان داد افزایش کیفیت مادی زندگی موجب افزایش دینداری است و همچنین کاهش کیفیت مادی زندگی، سبب کاهش در میزان دینداری است تا اینجا همبستگی میان این دو متغیر مثبت نشان داده شد. اما (با استفاده از سنجش تک‌تک سؤالات کیفیت مادی زندگی با میزان دینداری دانشجویان از طریق آزمون تفاوت میانگین‌ها نشان داد که) هم افزایش بسیار زیاد و هم کاهش بسیار زیاد کیفیت مادی زندگی دانشجویان موجب کاهش میزان دینداری آنان است. همچنین درواقع، چنانکه ماکس وبر نیز یادآور می‌شود (۱۳۸۲: ۳۷۵) آنجا که از سوی دین موضع‌گیری خاصی در جهت نفی برخی امور وجود دارد که منجر به تنش دین با این امور می‌شود، دینداران نیز به تبعیت از آن همین موضع‌گیری را نشان می‌دهند. قواعد اخلاقی و احکام صریح سنت دینی همه ادیان و به‌ویژه اسلام درباره زهد، صله رحم و احسان و نیکوکاری نسبت به دیگران، همچنین، در متون اسلامی احادیث، روایات و آموزه‌هایی وجود دارد که براساس آن‌ها، نكوهش شدید یأس، ناامیدی، نبود آرامش و توکل به خدا و...، توجه به زمینه‌هایی برای بازگشت به زندگی عادی توصیه می‌شود. این تعالیم زمینه‌ای را برای افزایش میزان بعد ذهنی کیفیت زندگی و کیفیت زندگی به‌منزله سرمایه اجتماعی دینداران نشان می‌دهند. بنابراین، یافته‌ها تا حد زیادی مطابق با سنت دینی و احکام صریح و هنجارهای اخلاقی مشخصی است که در آموزه‌های دینی بیان شده‌اند.

در پایان، از نظر تداوم طرح‌های پژوهشی درباره موضوع بااهمیت کیفیت زندگی و دین لازم است به چند نکته اشاره شود. در این پژوهش دینداری براساس مدل گلاک و استارک تعریف عملیاتی شد. هرچند گلاک و استارک ادعا می‌کنند که مدل پیشنهادی آن‌ها وجوه مشترک همه ادیان را دربرمی‌گیرد (۱۹۶۵: ۱۹) و این ادعا تا حد زیادی هم‌وجه به نظر می‌رسد (سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۳: ۶۲-۷۶)، باین‌حال، مفهوم‌سازی دینداری با توجه به دین اسلام، و ابعاد احتمالاً متفاوتی که ممکن است در آن متمایز شود (حبیب‌زاده خطبه‌سرا: ۱۳۸۴) می‌تواند رابطه کیفیت زندگی را با دینداری دانشجویان با دقت و تفصیل بیشتری تبیین کند. همچنین دینداری مفهومی است که می‌تواند با مفاهیم جامعه‌شناختی دیگر در ارتباط باشد. بنابراین، می‌توان در پژوهش‌های آتی تأثیر متغیرهای دیگری را نیز سنجید و با کنترل آن‌ها تأثیر دینداری را ملاحظه کرد.

به عنوان آخرین پیشنهاد برای پژوهش های آتی، باید گفت که جمعیت این پژوهش، یعنی دانشجویان، قشر خاصی هستند که به اقتضای موقعیت نقشی خود که نیروهای مستقل، انتقادی و رادیکالی اند از میزان کیفیت زندگی کمتری، به ویژه در بعد سیاسی برخوردارند و میزان دینداری آنها نیز در برخی ابعاد به ویژه در بعد پیامدی میزان پایین تری را نشان می دهد. در نتیجه، روابط مشاهده شده بین کیفیت زندگی و دینداری براساس یافته های نمونه دانشجویی، ممکن است با یافته های مربوط به گروه های دیگر اجتماعی متفاوت باشد. بنابراین، بررسی رابطه کیفیت زندگی و دینداری براساس نمونه ای از سایر گروه های اجتماعی ممکن است نتایج متفاوتی در پی داشته باشد و جنبه های دیگری از رابطه کیفیت زندگی و دینداری را نشان دهد.

منابع

۱. آرون، ریمون (۱۳۷۱) *مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۲. اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
۳. اینگلهارت، رونالد و نوریس، پپا (۱۳۸۷) *مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
۴. برگر، پیتر و برگر، بریجیت و کلنر، هانسفرید (۱۳۸۱) *ذهن بی خانمان، نوسازی و آگاهی*، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
۵. تورسن، کارل ای و همکاران (۱۳۸۳) «معنویت، دین و بهداشت؛ شواهد، موضوعات و علائق»، *مجله نقد و نظر*، شماره ۳۴ و ۳۳.
۶. چلبی، مسعود (۱۳۷۹) «تحلیل شبکه در جامعه شناسی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۵.
۷. حبیب زاده خطبه سرا، رامین (۱۳۸۴) *بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان دانشگاه تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۸. خدایاری فرد، محمد (۱۳۸۴) *گستره پژوهش های داخلی در زمینه ساخت مقیاس های دینی*، گزیده مقالات همایش مبانی نظری و روان سنجی مقیاس های دینی، چاپ اول، صص ۴۴۹-۵۰۹.
۹. دورکیم، امیل (۱۳۸۲) *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
۱۰. سراج زاده، حسین (۱۳۸۳) *چالش های دین و مدرنیته؛ مباحثی جامعه شناسی در دینداری و سکولار شدن*، تهران: طرح نو.
۱۱. سراج زاده، حسین و توکلی، مهناز (۱۳۸۳) *بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش های اجتماعی*، از کتاب *چالش های دین و مدرنیته*، انتشارات طرح نو، صص ۱۶۴-۱۹۶.
۱۲. سراج زاده، حسین و پویافر، محمدرضا (۱۳۸۶) *مجله جامعه شناسی ایران*؛ دوره هشتم، شماره

۱۳. سن، آمارتیا (۱۳۸۲) توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران: دستان.
۱۴. شجاعی‌زند، علی‌رضا (۱۳۸۴) «مدلی برای سنجش دینداری»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱.
۱۵. صادقی، علی‌رضا (۱۳۸۹) «کیفیت زندگی؛ شاخص توسعه اجتماعی»، مجله کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۳۴.
۱۶. عنبری، موسی (۱۳۸۹) «بررسی تحولات کیفیت زندگی در ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵)»، مجله توسعه روستایی شماره ۲.
۱۷. غفاری، غلام‌رضا و امیدی، رضا (۱۳۸۷) «کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران»، مجله رفاه اجتماعی شماره ۳۰ و ۳۱.
۱۸. فیینی، جان.ام. (۱۳۸۰) نظریه‌ای در باب تعهد دینی، ترجمه افسانه توسلی، نامه پژوهش، منابع فارسی.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹) «مشکل اساسی در سازمان روحانیت»، در کتاب ده گفتار، تهران: صدرا.
۲۰. موسوی، میرطاهر، پیران، پرویز، شیان، ملیحه، عبدالحی، محمد، مدنی، سعید (۱۳۸۶) طرح ملی بررسی و سنجش سرمایه اجتماعی در ایران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
۲۱. نش، کیت (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی‌شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
۲۲. ویلم، ژان پل (۱۳۷۷) جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: تیان.
23. Berger, Peter L. (1976) Sacred canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion, New York: Doubleday.
24. Berger, Peter L. (2001) Reflections on the Sociology of Religion Today, www.Findarticl S.com
25. Bernard, P. (1999), Social Cohesion: A Critique, CPRN discussion paper, Dember 1999, Ottawa,
26. Diwan, R. (2000), Relational wealth and the quality, Jurnal of Socio-Economics, Vol. 29, p.p. 305-340.
27. Dobbelaerc, Karel (1999) Towards an Integrated Perspective of the Processes Related to the Descriptive Concept of Secularization, Sociology of Religion, No. 15.
28. Glock, Charles Y. & Rodney Stark (1965) Religion and Society in Tension Chicago: Rand McNally & Company.
29. Liu, B. (1976), quality of life indicators in u.s. metropolitan areas: A statistical analysis, New York, Praeger.
30. Lombert, Yves (1999) Religion in Modernity: Secularization or New Religion From? Sociology of Religion. N. 15.
31. Murray, C. (1988), In pursuit of happiness and good government, New York, Simon and Schuster.
32. Noll, H. (2002), Towards a European system of social indicators: theoretical framework and system architecture, Social indicators research, Vol. 58, P.P. 47-87.
33. Phillips, D. (2006), Quality of life; concept, policy and practice, London, Routledge
34. UNDP (1990, 2005), Human Development Report, Oxford, , Oxford university press.